

## مثال ۱:

اسمیت فهمید که، ماشینش روشن نمی‌شود. او بیاد آورد که وقتی ماشین جونز روشن نمی‌شد بعلت خیس شدن توزیع کننده برق بود. همچنین به یاد آورد که خواننده است مشکلات توزیع کننده برق در انواع ماشین‌هایی که او دارد معمول است. او می‌داند که امروز هوا چقدر مرطوب بود. بنابراین نتیجه گرفت توزیع کننده مرطوب شده علت این مشکل است.

## مثال ۲:

براون پشت میز نشسته و از پنجره به بیرون خیره شده است. او متوجه شد که شکوفه‌های درختان درحال باز شدن هستند. این موضوع او را به یاد هوای گرم نامعمولی که سال قبل تجربه کرده بود، انداخت. این فکر، فکر دیگری را در پی آورد؛ او می‌بایست دیگ بخار گرم کننده مرکزی (شوفاز) را هرچه سریع‌تر روبراه کند.

## مثال ۳:

گرین درحال برنامه‌ریزی برای تعطیلات تابستانی خود است. او می‌داند که می‌داند که می‌تواند با ماشین یا هواپیما برود. به تعطیلات اگر با هواپیما برود سریع‌تر به مقصد می‌رسد، اما نخواهد توانست بار زیادی با خود بردارد اما اگر با ماشین برود می‌تواند بار بیشتری بردارد.

او می‌فهمد که کامیابی تعطیلاتش بسته به داشتن لباس‌های مناسب برای وضعیت غیرقابل پیش‌بینی هوا، است. او نخواهد توانست لباس‌های موردنیاز خود را با هواپیما ببرد. او نتیجه گرفت که اگر بخواند سفرش موفق باشد او باید با ماشین برود.

هریک از این مثال‌ها توصیفی از یک رویداد اندیشه (بخشی از اندیشیدن) هستند. همه‌ی ما چنین رویدادهایی را تجربه کرده‌ایم. انسان می‌تواند آنها را به عنوان حرکت‌های فکر توصیف (مشخص) کند.

موضوعی که هر مورد دارد به همراه افکار دیگر که باهم یک مجموعه را می‌سازند (تشکیل می‌دهند) که از درون آنها نوعی حرکت وجود دارد.

منطق را می‌توان بعنوان قوانین دربرگیرنده این نوع حرکت در نظر گرفت (فرض کرد) اما همه حرکت‌های فکر موضوع منطق نیستند. بنابراین ما در ابتدا باید دقیق ..... که چه انواعی از حرکت موضوع درست (ماده) منطق هستند. این (کار) بیان (توصیف) دیگری (بیشتری) از مثال‌ها نیاز دارد.

### ۱-۱- مثال اول: اندیشه‌های اسمیت

راه‌های زیادی وجود دارد که ما می‌توانیم مجموعه اندیشه‌ها (تصورات) را در هر مورد توصیف کنیم. اما یک راه ویژه مفید (همان) است که با دو فهرست از موضوع ارائه شده است. در زیر مثالی از آنچه مورد نظر من است با استفاده از مثال اول آمده است.

فهرست تصورات اسمیت دقیقاً قبل از تصور نهایی به این بود:

۱- ماشین روشن نمی‌شود.

۲- وقتی ماشین جویز روشن نمی‌شد مشکل مرطوب بودن توزیع‌کننده برق بود.

۳- ماشین‌های شبیه ماشین من معمولاً این مشکل را دارند.

۴- امروز هوا مرطوب است.

من این را فهرست (۱) می‌نامم.

فهرست تصورات (افکار) اسمیت در پایان مجموعه (حرکات فکر) چنین بود:

۱- ماشین من روشن نمی‌شود.

۲- وقتی ماشین جویز روشن نمی‌شد، مشکل ناشی از مرطوب بودن توزیع‌کننده برق بود.

۳- ماشین‌های شبیه ماشین من معمولاً چنین مشکلی دارند.

۴- امروز هوا بسیار مرطوب است.

۵- عیب ماشین من توزیع‌کننده‌های خیس است.

من این عیب را بعنوان فهرست (۲) نامگذاری می‌کنم. توجه کنید که فهرست‌ها جز در مورد پنجم که به

فهرست ۲ اضافه شده است، شبیه هم هستند.

انتقال از فهرست (۱) به فهرست دوم چیزی است که من می‌خواهم شما روی آن متمرکز شوید.

چیزی که شما باید توجه کنید این است که آن انتقالی است که در توصیف رویدادهای اندیشه اسمیت با عبارت «بنابراین او نتیجه گرفت» مشخص می‌شود.

این عبارت ما را دعوت (ترغیب) می‌کند تا تصدیق کنیم که فهرست (۲) برخی ارتباط‌های ویژه با

فهرست (۱) دارد که بصورت یک بسط و گسترش است.